



۲۰۱۶/۰۹/۲۰



م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

## محنتکده ما!!



رنج های مستمر و دوامدار چهار دهه اخیر در وطن، انگیزه سرودن این منظومه شده است، از آنجا که این درد ها هنوز هم به شیوه ها و رنگ های مختلف ادامه دارد و با زندگی مردم مظلوم و صبور وطن بازی می شود، خواستم آن را یک بار دیگر به دست نشر بسپارم:

|                                 |                                   |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| بشکسته، سرا پا شده محنتکده ما   | آغشته غم ها شده محنتکده ما        |
| بی دست و سر و پا شده محنتکده ما | افتاده به دام هوس هرکس و ناکس     |
| سرآمد دنیا شده محنتکده ما       | در دزدی و غارتگری و قتل و تجاوز   |
| سیل آمده دریا شده محنتکده ما    | در هر قدمی، هر نفسی، ریخته خونی   |
| بیچاره و تنها شده محنتکده ما    | کس دست مؤدت نکند پیش بسویش        |
| چون خانه جولا شده محنتکده ما    | از فتنه جاسوسی همسایه مکار        |
| یک صفحه معما شده محنتکده ما     | پیچیده ز بس، مشکل او حل نتوان کرد |
| بد بوی و بد آوا شده محنتکده ما  | از دست هجوم دو سه آلوده ناپاک     |
| با وسوسه اغوا شده محنتکده ما    | صد حیف کاین قوم، به تحریک اجانب   |
| بیرون ز مداوا شده محنتکده من    | خونین شده زخمیست که درمان نپذیرد  |
| بیحرمت و رسوا شده محنتکده ما    | از دست دو سه خود غرض جاهل رسوا    |

آخر چه متاعیست «اسیر» این خطه پاک

نشناخته سودا شده محنتکده ما